

چالش‌های حقوقی تشخیص تعرفه و ارزش گمرکی کالا در پرتو اسناد بین المللی

آنیتا معظمی آشتیانی^{۱*}، محمد جواد روستا سکه روانی^۲.

۱- کارشناس ارشد حقوق تجارت بین الملل، دانشگاه آزاد واحد تهران شمال، تهران، ایران

anita.moazemi1111@gmail.com

۲- هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد تهران شمال، دکتری تخصصی، حقوق خصوصی، تهران، ایران

sekehravany@yahoo.com

خلاصه

طبقه‌بندی تعرفه‌ای کالا و تعیین ارزش گمرکی از مهم‌ترین سازوکارهای حقوقی در نظام تجارت بین‌الملل و اداره امور گمرکی به شمار می‌آیند و نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان حقوق و عوارض ورودی، شفافیت مبادلات تجاری و پیشگیری از اختلافات گمرکی دارند. در سطح بین‌المللی، نظام هماهنگ‌شده توصیف و کدگذاری کالا (HS) تحت نظارت سازمان جهانی گمرک و موافقت‌نامه ارزش‌گذاری گمرکی در چارچوب سازمان تجارت جهانی، مهم‌ترین چارچوب‌های حقوقی برای ایجاد وحدت رویه و کاهش اعمال سلیقه در فرایندهای گمرکی محسوب می‌شوند. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی مبانی حقوقی طبقه‌بندی تعرفه‌ای و ارزش‌گذاری گمرکی و نقش اسناد و نهادهای بین‌المللی در تنظیم این حوزه می‌پردازد و مهم‌ترین چالش‌های حقوقی مرتبط با اجرای این قواعد را مورد مطالعه قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه قواعد و استانداردهای بین‌المللی موجود ظرفیت قابل توجهی برای ایجاد هماهنگی و شفافیت در نظام گمرکی دارند، اما پیچیدگی تفسیر مقررات، تفاوت در نحوه اجرای آنها در نظام‌های حقوقی مختلف و محدودیت‌های اجرایی در سطح ملی می‌تواند زمینه بروز اختلافات گمرکی را فراهم آورد. بر این اساس، کارآمدی نظام حقوقی حاکم بر طبقه‌بندی تعرفه‌ای و ارزش‌گذاری گمرکی مستلزم تقویت سازوکارهای اجرایی، ارتقای تخصص و آموزش در حوزه گمرکی، و انطباق مؤثر مقررات داخلی با استانداردهای بین‌المللی است.

کلمات کلیدی: طبقه‌بندی تعرفه‌ای، ارزش‌گذاری گمرکی، نظام هماهنگ‌شده (HS)، سازمان جهانی گمرک، سازمان تجارت جهانی

۱. مقدمه

گسترش روزافزون تجارت بین‌المللی و افزایش حجم مبادلات کالا میان کشورها، نقش نظام‌های گمرکی را در تنظیم و مدیریت جریان تجارت جهانی بیش از پیش برجسته ساخته است. گمرک^۱ به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای حاکمیتی در حوزه تجارت خارجی، وظایف متعددی از جمله اعمال سیاست‌های تجاری دولت، اخذ حقوق و عوارض گمرکی، نظارت بر ورود و خروج کالا، مقابله با قاچاق و همچنین تسهیل تجارت را بر عهده دارد. در این میان، دو مؤلفه اساسی یعنی «تشخیص تعرفه کالا» و «تعیین ارزش گمرکی» از مهم‌ترین عناصر در فرآیند انجام تشریفات گمرکی به شمار می‌آیند؛ زیرا میزان حقوق و عوارض گمرکی، مالیات‌ها و سایر هزینه‌های مرتبط با واردات کالا تا حد زیادی بر اساس این دو عامل تعیین می‌شود. از این رو، هرگونه اختلاف یا ابهام در تشخیص تعرفه یا تعیین ارزش کالا می‌تواند منجر به بروز اختلافات میان صاحبان کالا و مقامات گمرکی گردد.

در سطح بین‌المللی، به منظور ایجاد هماهنگی و یکنواختی در نظام‌های گمرکی کشورها، اسناد و مقررات متعددی تدوین شده است که نقش مهمی در استانداردسازی قواعد مربوط به طبقه‌بندی و ارزش‌گذاری کالا دارند. در این میان، سازمان جهانی گمرک^۲ (WCO) و سازمان جهانی تجارت^۳ (WTO) از مهم‌ترین نهادهای بین‌المللی فعال در این حوزه به شمار می‌روند. سازمان جهانی گمرک از طریق تدوین و توسعه «سیستم هماهنگ‌شده توصیف و کدگذاری کالا»^۴ (HS) چارچوبی مشترک برای طبقه‌بندی کالاها در تجارت بین‌المللی فراهم کرده است [۱]. این سیستم که امروزه توسط اکثر کشورهای جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد، به عنوان زبان مشترک گمرکی در سطح بین‌المللی شناخته می‌شود و مبنای تعیین تعرفه‌های گمرکی و آمارهای تجاری محسوب می‌گردد. در کنار نظام طبقه‌بندی کالا، موضوع تعیین ارزش گمرکی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در گذشته، روش‌های متفاوتی برای تعیین ارزش کالا در گمرکات کشورها وجود داشت که همین امر گاه زمینه بروز اختلافات تجاری و اعمال روش‌های غیرشفاف در ارزش‌گذاری کالا را فراهم می‌کرد. در راستای رفع این مشکلات، موافقت‌نامه اجرای ماده ۷ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۹۴ که به «موافقت‌نامه ارزش‌گذاری گمرکی» سازمان جهانی تجارت معروف است، چارچوبی نسبتاً هماهنگ برای تعیین ارزش گمرکی کالا ارائه کرده است. بر اساس این موافقت‌نامه، اصل اساسی در تعیین ارزش گمرکی کالا، «ارزش معاملاتی» یا همان قیمت واقعی پرداخت‌شده یا قابل پرداخت برای کالا در معامله صادراتی است. این رویکرد با هدف افزایش شفافیت، جلوگیری از تعیین ارزش‌های فرضی و ایجاد عدالت در محاسبه حقوق و عوارض گمرکی مورد پذیرش بسیاری از کشورها قرار گرفته است.

^۱ Customs^۲ World Customs Organization^۳ World Trade Organization^۴ Harmonized Commodity Description and Coding System

با وجود تلاش‌های صورت گرفته در سطح بین‌المللی برای ایجاد هماهنگی در قواعد گمرکی، در عمل چالش‌های حقوقی متعددی در زمینه تشخیص تعرفه و تعیین ارزش گمرکی کالا وجود دارد. پیچیدگی فنی برخی کالاها، ظهور فناوری‌های نوین و کالاهای چندمنظوره، تفاوت در تفسیر مقررات بین‌المللی توسط کشورها و نیز اختلاف در نحوه اجرای قواعد گمرکی، از جمله عواملی هستند که می‌توانند زمینه بروز اختلافات میان صاحبان کالا و مراجع گمرکی را فراهم سازند. افزون بر این، ارتباط نزدیک میان قواعد گمرکی با سایر حوزه‌های حقوقی همچون حقوق تجارت بین‌الملل، حقوق مالیاتی و سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها، بر پیچیدگی مسائل مرتبط با تعرفه و ارزش‌گذاری گمرکی افزوده است.

مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که موضوع نظام حقوقی گمرک، به‌ویژه در حوزه اختلافات گمرکی، طبقه‌بندی کالا و ارزش‌گذاری گمرکی، مورد توجه پژوهشگران داخلی و خارجی قرار گرفته است. در میان پژوهش‌های داخلی، حبیبی‌درگاه (۱۴۰۰) [۲] در مقاله‌ای با عنوان «مبانی حاکم بر اختلافات گمرکی در پرتو اصول حقوقی، اخلاقی و اقتصادی» به بررسی ریشه‌ها و مبانی شکل‌گیری اختلافات میان صاحبان کالا و نهاد گمرک پرداخته است. در این پژوهش، گمرک به عنوان نهادی حاکمیتی معرفی می‌شود که مسئول اجرای قوانین و مقررات مربوط به صادرات و واردات، حمل‌ونقل بین‌المللی کالا، وصول حقوق و عوارض گمرکی و همچنین تسهیل تجارت خارجی است. از آنجا که اعمال این اختیارات در چارچوب حاکمیت دولت صورت می‌گیرد، در بسیاری از موارد زمینه بروز اختلاف میان صاحبان کالا و گمرک فراهم می‌شود. هدف اصلی این پژوهش، تبیین مبانی رسیدگی به اختلافات گمرکی با تأکید بر اصول حقوقی، ملاحظات اخلاقی و اقتصادی است. همچنین طباطبایی و ثابتی (۱۳۸۹) [۳] در مقاله‌ای با عنوان «سازمان جهانی گمرک با رویکرد بررسی موانع پیش روی گمرک جمهوری اسلامی ایران» به بررسی نقش و کارکردهای سازمان جهانی گمرک و تأثیر آن بر عملکرد گمرک کشورها پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که گمرک علاوه بر نقش سنتی خود در اخذ حقوق و عوارض گمرکی، وظایف گسترده‌تری از جمله اجرای سیاست‌های بازرگانی دولت، حمایت از سلامت و امنیت جامعه در برابر کالاهای زیان‌آور یا تقلبی، حفاظت از میراث فرهنگی و محیط زیست و نیز مقابله با قاچاق کالا را بر عهده دارد. از این رو، حضور فعال گمرک کشورها در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی مرتبط با تجارت و گمرک می‌تواند نقش مهمی در ارتقای کارایی نظام گمرکی و دفاع از منافع ملی در عرصه بین‌المللی ایفا نماید. در پژوهشی دیگر، محمد بیات (۱۳۹۲) [۴] در پایان‌نامه‌ای با عنوان «قواعد حاکم بر ارزش‌گذاری گمرکی کالا در چارچوب مقررات سازمان جهانی تجارت» به بررسی نظام ارزش‌گذاری کالا در تجارت بین‌المللی پرداخته است. وی ضمن تشریح اهداف سازمان جهانی تجارت از جمله توسعه تجارت آزاد، حذف موانع تجاری و ایجاد نظامی مبتنی بر شفافیت و رقابت، به بررسی جایگاه موافقت‌نامه ارزش‌گذاری گمرکی به عنوان یکی از اسناد مهم این سازمان می‌پردازد. در این پژوهش روند تحول روش‌های ارزش‌گذاری گمرکی، از نظام‌های پیشین مانند کنوانسیون بروکسل^۱ و مقررات دور توکیو^۲ تا شکل‌گیری نظام ارزش‌گذاری مبتنی بر موافقت‌نامه اجرای ماده ۷ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۹۴ مورد تحلیل قرار گرفته است. در این چارچوب، اصل «ارزش معاملاتی» یا قیمت واقعی پرداخت‌شده برای کالا به

^۱ Convention on the Valuation of Goods for Customs Purposes/ Brussels Definition of value (BDV)

^۲ Tokyo Round Valuation Code

عنوان مبنای اصلی تعیین ارزش گمرکی معرفی می‌شود که نسبت به روش‌های پیشین از شفافیت و کارآمدی بیشتری برخوردار است. در سطح پژوهش‌های خارجی نیز مطالعات متعددی به بررسی ابعاد حقوقی و اقتصادی نظام گمرکی پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها عمدتاً بر نقش اسناد و مقررات گمرکی در تعیین تعرفه‌ها و شیوه‌های ارزش‌گذاری کالا در تجارت بین‌المللی تمرکز داشته و بر اهمیت وجود چارچوب‌های حقوقی شفاف و هماهنگ در این حوزه تأکید می‌کنند. همچنین در برخی مطالعات، تأثیر توافق‌نامه‌های تجاری بین‌المللی بر نحوه محاسبه عوارض و مالیات‌های گمرکی و همچنین بر تسهیل جریان تجارت مورد بررسی قرار گرفته است. در مجموع، نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که قواعد و اسناد بین‌المللی نقش مهمی در ایجاد هماهنگی میان نظام‌های گمرکی کشورها، افزایش شفافیت در فرایندهای گمرکی و کاهش اختلافات ناشی از تعیین تعرفه و ارزش کالا دارند. با وجود پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، بخش قابل توجهی از مطالعات موجود هر یک تنها به یکی از ابعاد نظام گمرکی، مانند ارزش‌گذاری کالا یا ساختار سازمان‌های گمرکی، پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی به بررسی هم‌زمان چالش‌های حقوقی مرتبط با تشخیص تعرفه و تعیین ارزش گمرکی در پرتو اسناد و مقررات بین‌المللی توجه کرده است. از این رو، پژوهش حاضر درصدد است با اتخاذ رویکردی توصیفی - تحلیلی، رژیم حقوقی حاکم بر تشخیص تعرفه و تعیین ارزش گمرکی کالا را در پرتو اسناد و مقررات بین‌المللی گمرکی مورد بررسی قرار دهد. این پژوهش تلاش می‌کند با تبیین ارتباط میان کالاها و نظام حقوقی حاکم بر تشخیص تعرفه و ارزش‌گذاری آن‌ها، ابعاد اقتصادی، اجتماعی و حقوقی این ارتباط را روشن سازد و نشان دهد که چگونه وجود یک چارچوب حقوقی منسجم می‌تواند به ایجاد نظم و شفافیت در فرآیند تجارت بین‌المللی کمک کند. اهمیت این پژوهش از منظر کاربردی و تجربی نیز قابل توجه است؛ زیرا بررسی دقیق قواعد و اسناد بین‌المللی مرتبط با تعرفه و ارزش‌گذاری کالا می‌تواند در بهبود عملکرد نظام گمرکی و کاهش اختلافات میان فعالان تجاری و مقامات گمرکی مؤثر واقع شود. ضرورت توجه به رژیم حقوقی حاکم بر تعیین تعرفه و ارزش کالا در پرتو اسناد بین‌المللی گمرکی از آن جهت اهمیت دارد که این موضوع تأثیر مستقیمی بر روند تجارت بین‌المللی و تعاملات اقتصادی کشورها دارد. اسناد بین‌المللی گمرکی چارچوب‌هایی را برای نحوه محاسبه تعرفه‌ها، مالیات‌ها و تعیین ارزش کالاها ارائه می‌کنند و بدین ترتیب نقش مهمی در تنظیم روابط تجاری میان کشورها ایفا می‌نمایند. وجود چنین قواعدی موجب می‌شود تا فرآیند تعیین تعرفه و ارزش کالا با شفافیت و دقت بیشتری انجام شده و از بروز اختلافات و رویه‌های ناهماهنگ در نظام‌های گمرکی کشورها جلوگیری شود. از سوی دیگر، تعیین دقیق تعرفه‌ها و ارزش کالاها می‌تواند به حمایت از تولیدکنندگان داخلی، جلوگیری از تقلب در اظهار ارزش کالا و حفظ حقوق گمرکی دولت‌ها کمک کند.

این پژوهش با بررسی ارتباط میان کالاها و نظام حقوقی حاکم بر تشخیص تعرفه و ارزش‌گذاری آن‌ها، به تبیین ابعاد اقتصادی و حقوقی این موضوع می‌پردازد و نشان می‌دهد که وجود یک چارچوب حقوقی منسجم می‌تواند موجب شفافیت و نظم در تجارت بین‌المللی شود. همچنین بررسی قواعد و اسناد بین‌المللی مرتبط با تعرفه و ارزش‌گذاری کالا، در بهبود عملکرد نظام گمرکی و کاهش اختلافات میان فعالان تجاری و مقامات گمرکی نقش مؤثری دارد. اهمیت توجه به رژیم حقوقی حاکم بر تعیین تعرفه و ارزش کالا در آن است که این موضوع تأثیر مستقیمی بر تجارت بین‌المللی و روابط اقتصادی کشورها دارد. اسناد بین‌المللی گمرکی با ارائه چارچوب‌هایی برای تعیین تعرفه، مالیات و ارزش کالا، به شفافیت بیشتر

فرآیندهای گمرکی و جلوگیری از اختلافات کمک می کنند. علاوه بر این، تعیین صحیح تعرفه و ارزش کالا می تواند در حمایت از تولید داخلی، جلوگیری از تقلب و حفظ درآمدهای گمرکی دولت ها مؤثر باشد.

۲. مبانی حقوقی تشخیص تعرفه و ارزش گمرکی

تشخیص تعرفه و تعیین ارزش گمرکی کالا از اساسی ترین موضوعات در نظام حقوق گمرکی و تجارت بین الملل به شمار می آید. این دو عنصر نه تنها مبنای وصول حقوق و عوارض گمرکی هستند، بلکه در اجرای سیاست های اقتصادی دولت ها، تنظیم بازار داخلی، حمایت از تولید ملی و کنترل جریان تجارت خارجی نیز نقش تعیین کننده ای ایفا می کنند. در واقع، فرآیند اعمال حقوق ورودی و سایر هزینه های قانونی بر کالاهای وارداتی و صادراتی بدون تعیین صحیح تعرفه و ارزش گمرکی امکان پذیر نیست. از همین رو، قوانین و مقررات گمرکی کشورها همواره توجه ویژه ای به این دو مؤلفه داشته اند و نظام های حقوقی مختلف تلاش کرده اند با تدوین قواعد مشخص، شفافیت و عدالت را در این حوزه تضمین کنند.

در حقوق گمرکی معاصر، موضوع تعرفه و ارزش گمرکی صرفاً یک مسئله مالی یا اجرایی محسوب نمی شود، بلکه به دلیل ارتباط مستقیم آن با تجارت جهانی، سرمایه گذاری خارجی و تعهدات بین المللی کشورها دارای ابعاد حقوقی گسترده ای است. توسعه روابط اقتصادی میان کشورها و افزایش حجم مبادلات بین المللی موجب شده است که هماهنگی میان نظام های گمرکی کشورها بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد. در این میان، WCO و WTO نقش مهمی در تدوین استانداردها و قواعد بین المللی مرتبط با تعرفه و ارزش گمرکی ایفا کرده اند. از سوی دیگر، پیچیدگی روزافزون کالاها، ظهور فناوری های نوین و تنوع گسترده محصولات تجاری، فرآیند تشخیص تعرفه و تعیین ارزش گمرکی را با چالش های متعددی مواجه ساخته است. در بسیاری از موارد، اختلاف میان صاحبان کالا و مقامات گمرکی ناشی از تفاوت در برداشت از ماهیت کالا، نحوه طبقه بندی آن یا روش تعیین ارزش گمرکی است. چنین اختلافاتی می تواند موجب طولانی شدن فرآیند ترخیص کالا، افزایش هزینه های تجاری و حتی طرح دعاوی حقوقی در مراجع حل اختلاف گمرکی شود. از این رو، شناخت مبانی حقوقی تعرفه و ارزش گمرکی برای اجرای صحیح مقررات گمرکی و تضمین شفافیت در تجارت خارجی ضروری به نظر می رسد [۵].

۲.۱. مفهوم تعرفه گمرکی

تعرفه گمرکی مجموعه‌ای از مقررات و جداولی است که بر اساس آن میزان حقوق ورودی، عوارض و سایر وجوه قابل وصول از کالاهای وارداتی یا صادراتی تعیین می‌شود. به بیان دیگر، تعرفه گمرکی ابزاری حقوقی و اقتصادی است که دولت‌ها از طریق آن سیاست‌های تجاری و حمایتی خود را در حوزه تجارت خارجی اعمال می‌کنند. هر کالا بر اساس ویژگی‌ها، جنس، کاربرد و خصوصیات فنی خود در ردیف تعرفه‌ای مشخصی قرار می‌گیرد و متناسب با آن میزان حقوق و عوارض گمرکی تعیین می‌شود. تعرفه‌های گمرکی از گذشته تاکنون یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌گذاری اقتصادی دولت‌ها بوده‌اند. در دوره‌های اولیه شکل‌گیری دولت‌های مدرن، تعرفه‌ها عمدتاً به عنوان منبع درآمدی برای خزانه دولت مورد استفاده قرار می‌گرفتند؛ اما با توسعه تجارت بین‌الملل و گسترش رقابت اقتصادی میان کشورها، کارکردهای تعرفه‌ای نیز تحول یافت. امروزه تعرفه‌های گمرکی علاوه بر تأمین درآمد عمومی، به عنوان ابزاری برای حمایت از صنایع داخلی، تنظیم واردات کالاها، هدایت جریان تجارت و ایجاد تعادل در بازار داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرند [۶].

تعرفه‌ها از حیث نحوه تعیین به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند. مهم‌ترین انواع تعرفه عبارت‌اند از تعرفه ارزشی، تعرفه مقداری و تعرفه مختلط. در تعرفه ارزشی، میزان حقوق ورودی به صورت درصدی از ارزش کالا تعیین می‌شود؛ در حالی که در تعرفه مقداری، میزان حقوق گمرکی بر اساس وزن، حجم یا تعداد کالا محاسبه می‌گردد. در برخی موارد نیز از تعرفه‌های مختلط استفاده می‌شود که ترکیبی از دو روش فوق است [۷]. انتخاب هر یک از این روش‌ها به سیاست‌های اقتصادی و تجاری کشورها بستگی دارد. در تجارت بین‌الملل، هماهنگی در نظام تعرفه‌ای کشورها اهمیت زیادی دارد؛ زیرا تفاوت در طبقه‌بندی کالاها می‌تواند موجب بروز اختلافات تجاری و مشکلات گمرکی شود. به همین دلیل، بسیاری از کشورها نظام تعرفه‌ای خود را بر اساس «سیستم هماهنگ‌شده توصیف و کدگذاری کالا»^۱ تنظیم کرده‌اند [۸]. این سیستم که توسط سازمان جهانی گمرک تدوین شده، ساختاری استاندارد برای طبقه‌بندی کالاها ارائه می‌دهد و امکان هماهنگی میان نظام‌های گمرکی کشورهای مختلف را فراهم می‌سازد. در نظام حقوقی ایران نیز تعرفه‌های گمرکی بر اساس کتاب مقررات صادرات و واردات و با استفاده از کدهای سیستم HS تعیین می‌شود. گمرک جمهوری اسلامی ایران وظیفه دارد با توجه به مشخصات کالا، ردیف تعرفه صحیح را تعیین کند. با این حال، در عمل اختلافات متعددی میان صاحبان کالا و مراجع گمرکی درباره تشخیص تعرفه رخ می‌دهد. این اختلافات معمولاً ناشی از ابهام در ماهیت کالا، کاربرد آن یا نحوه تفسیر یادداشت‌های تعرفه‌ای است و بخش قابل توجهی از دعاوی گمرکی را تشکیل می‌دهد.

۲.۲. مفهوم ارزش گمرکی

^۱ Harmonized System

ارزش گمرکی یکی از مفاهیم بنیادین در حقوق گمرکی است که نقش مستقیمی در تعیین میزان حقوق و عوارض گمرکی دارد. به طور کلی، ارزش گمرکی عبارت است از ارزشی که گمرک بر مبنای آن میزان حقوق ورودی، مالیات‌ها و سایر عوارض مرتبط با واردات کالا را محاسبه می‌کند. تعیین صحیح ارزش گمرکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا هرگونه اختلاف در ارزش کالا می‌تواند منجر به کاهش یا افزایش غیرواقعی حقوق و عوارض گمرکی گردد. در گذشته، کشورها از روش‌های متفاوتی برای تعیین ارزش گمرکی استفاده می‌کردند و این امر در برخی موارد زمینه سوءاستفاده یا بروز اختلافات میان صاحبان کالا و مقامات گمرکی را فراهم می‌ساخت. نبود معیارهای مشترک در ارزش‌گذاری گمرکی باعث می‌شد که یک کالا در کشورهای مختلف با ارزش‌های متفاوتی ارزیابی شود و این موضوع می‌توانست به ایجاد موانع تجاری و بی‌اعتمادی در روابط تجاری بین‌المللی منجر شود.

به منظور رفع این مشکل، در چارچوب موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت^۱ (GATT) و سپس در قالب سازمان جهانی تجارت، نظامی هماهنگ برای ارزش‌گذاری گمرکی تدوین شد. مهم‌ترین سند در این زمینه «موافقتنامه اجرای ماده هفتم موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۹۴» است که به موافقتنامه ارزش‌گذاری گمرکی سازمان جهانی تجارت شهرت دارد. این موافقتنامه نظامی نسبتاً واحد برای تعیین ارزش گمرکی کالاها ارائه می‌دهد و اصل «ارزش معاملاتی» را به عنوان مبنای اصلی ارزش‌گذاری گمرکی معرفی می‌کند. بر اساس اصل ارزش معاملاتی، ارزش گمرکی کالا همان قیمت واقعی پرداخت‌شده یا قابل پرداخت برای کالا در معامله صادراتی به کشور واردکننده است؛ مشروط بر آنکه شرایط معامله واقعی و شفاف باشد. در مواردی که تعیین ارزش گمرکی بر اساس ارزش معاملاتی امکان‌پذیر نباشد، موافقتنامه روش‌های جایگزینی را پیش‌بینی کرده است؛ از جمله ارزش معاملاتی کالای مشابه، ارزش معاملاتی کالای یکسان، روش استنتاجی، روش محاسباتی و در نهایت روش انعطاف‌پذیر. هدف از این نظام، ایجاد شفافیت، عدالت و وحدت رویه در فرآیند ارزش‌گذاری گمرکی است [۹]. اجرای صحیح این قواعد می‌تواند از اعمال سلیقه شخصی، تعیین ارزش‌های غیرواقعی و ایجاد تبعیض در تجارت بین‌الملل جلوگیری کند. در واقع، موافقتنامه ارزش‌گذاری گمرکی تلاش کرده است تا میان منافع دولت‌ها در وصول حقوق گمرکی و حقوق فعالان اقتصادی در برخورداری از فرآیندهای منصفانه تعادل ایجاد کند. با این حال، در عمل اختلاف در تفسیر مفهوم ارزش معاملاتی و حدود اختیارات مقامات گمرکی در رد اسناد تجاری، همچنان یکی از مهم‌ترین منشأهای اختلافات گمرکی در بسیاری از کشورها محسوب می‌شود. در حقوق ایران نیز قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰ و آیین‌نامه اجرایی آن مقرراتی را درباره نحوه تعیین ارزش گمرکی پیش‌بینی کرده‌اند. بر اساس این مقررات، ارزش گمرکی کالا معمولاً بر مبنای بهای خرید کالا در مبدأ به علاوه هزینه‌های حمل، بیمه و سایر هزینه‌های مرتبط تا ورود کالا به قلمرو گمرکی تعیین می‌شود. با این حال، در عمل اختلافات متعددی درباره اسناد تجاری، هزینه‌های جانبی، تخفیف‌ها و نرخ ارز میان تجار و مراجع گمرکی مشاهده می‌شود که گاه منجر به طرح دعاوی در مراجع حل اختلاف گمرکی یا دیوان عدالت اداری می‌گردد.

^۱ General Agreement on Tariffs and Trade

۳.۲. نظام طبقه‌بندی کالا

طبقه‌بندی کالا یکی از مهم‌ترین مراحل در فرآیند تشخیص تعرفه گمرکی است. در این فرآیند، کالاهای وارداتی یا صادراتی بر اساس ویژگی‌ها، جنس، کاربرد و ماهیت خود در طبقات مشخصی قرار می‌گیرند و برای هر یک کد تعرفه‌ای معینی تعیین می‌شود. این کدها مبنای تعیین میزان حقوق و عوارض گمرکی، اعمال سیاست‌های تجاری و همچنین تهیه آمارهای بازرگانی قرار می‌گیرند. در گذشته، هر کشور نظام خاص خود را برای طبقه‌بندی کالاها داشت و همین امر موجب بروز مشکلات فراوان در تجارت بین‌المللی می‌شد. تفاوت در طبقه‌بندی کالاها میان کشورها باعث می‌شد یک کالا در کشورهای مختلف تحت عناوین متفاوتی شناخته شود و نرخ‌های تعرفه‌ای متفاوتی بر آن اعمال گردد. این موضوع می‌توانست موجب بروز اختلافات تجاری و افزایش هزینه‌های مبادلاتی شود.

در پاسخ به این نیاز، سازمان جهانی گمرک «سیستم هماهنگ‌شده توصیف و کدگذاری کالا» یا HS code را تدوین کرد. این نظام که در سال ۱۹۸۸ اجرایی شد، کالاها را در قالب بخش‌ها، فصل‌ها، ردیف‌ها و زیرردیف‌ها طبقه‌بندی می‌کند و برای هر کالا یک کد اختصاصی در نظر می‌گیرد. امروزه بیش از ۲۰۰ کشور و قلمرو گمرکی از این سیستم استفاده می‌کنند و آن را مبنای تعرفه‌های گمرکی و آمارهای تجاری خود قرار داده‌اند. سیستم HS دارای قواعد تفسیری مشخصی است که به مأموران گمرکی و فعالان اقتصادی کمک می‌کند تا کالاها را به صورت صحیح طبقه‌بندی کنند. این قواعد که به «قواعد عمومی تفسیر سیستم هماهنگ‌شده» معروف‌اند، اصولی را برای حل ابهامات در طبقه‌بندی کالاها ارائه می‌دهند. علاوه بر این، یادداشت‌های توضیحی سیستم HS نیز به عنوان منبعی مهم برای تفسیر عناوین تعرفه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند [۱۰]. با وجود این مزایا، طبقه‌بندی برخی کالاها در عمل با دشواری‌هایی همراه است. کالاهای چندمنظوره، محصولات فناورانه جدید و کالاهایی که از مواد مختلف تشکیل شده‌اند، گاه امکان تفسیرهای متفاوتی را ایجاد می‌کنند. در چنین مواردی ممکن است میان واردکنندگان و مقامات گمرکی درباره ردیف تعرفه صحیح اختلاف ایجاد شود. این اختلافات گاه منجر به طرح پرونده در مراجع حل اختلاف گمرکی می‌شود. در نتیجه، آشنایی دقیق با قواعد طبقه‌بندی کالا، یادداشت‌های تفسیری سیستم HS و رویه‌های بین‌المللی گمرکی نقش مهمی در اجرای صحیح مقررات گمرکی دارد. همچنین هماهنگی میان مقررات داخلی کشورها و استانداردهای بین‌المللی می‌تواند در کاهش اختلافات تجاری، افزایش شفافیت در تجارت خارجی و تسهیل مبادلات بین‌المللی مؤثر باشد.

۳. موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی

موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۱۹۴۷) مهم‌ترین موافقت‌نامه چندجانبه در حوزه تجارت کالا در نظام تجارت بین‌الملل به شمار می‌رفت. پیش از آغاز به کار سازمان تجارت جهانی، اصلاحاتی در این موافقت‌نامه انجام شد و علاوه بر آن، پروتکل‌ها و گواهی‌های مربوط به امتیازات تعرفه‌ای، پروتکل‌های الحاق کشورهای و تصمیمات طرف‌های متعاقد گات، از جمله در موارد معافیت از تعهدات، به آن افزوده گردید. در دور اروگوئه، شش تفاهم‌نامه برای تفسیر مواد گات و همچنین پروتکل الحاقی مراکش به گات ۱۹۴۷ اضافه شد که مجموع این اسناد با عنوان گات ۱۹۹۴ شناخته می‌شود. در همین دور، دوازده موافقت‌نامه چندجانبه جدید در حوزه تجارت کالا نیز تصویب شد که وابسته به گات ۱۹۹۴ محسوب می‌شوند. این موافقت‌نامه‌ها به موضوعاتی مانند استانداردها، ضوابط تجاری سرمایه‌گذاری، قواعد گمرکی، دامپینگ یا قیمت‌شکنی، یارانه‌ها و اقدامات حفاظتی و نیز بخش‌های کشاورزی و منسوجات در تجارت کالا می‌پردازند. مجموعه این اسناد همراه با گات ۱۹۹۴، ضمیمه موافقت‌نامه تأسیس سازمان تجارت جهانی را با عنوان «موافقت‌نامه‌های چندجانبه کالایی» تشکیل می‌دهند [۱۱]. در صورت بروز تعارض میان مفاد گات ۱۹۹۴ و موافقت‌نامه‌های خاص، مفاد موافقت‌نامه‌های خاص بر گات ۱۹۹۴ اولویت دارد [۱۲]. در جریان مذاکرات دور اروگوئه نیز موافقت‌نامه‌ها، تفاهم‌نامه‌ها، اعلامیه‌ها و تصمیمات متعددی تصویب شد که جزء جدایی‌ناپذیر موافقت‌نامه تأسیس سازمان تجارت جهانی به شمار می‌آیند و پذیرش آن‌ها برای کشورهای عضو الزامی است. این موارد عبارت‌اند از:

- مواد موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت مصوب ۳۰ اکتبر ۱۹۴۷. هرچند گات ۱۹۹۴ شامل گات ۱۹۴۷ نیز می‌شود، اما از نظر حقوقی این دو موافقت‌نامه مستقل از یکدیگر محسوب می‌شوند.
- پروتکل‌ها و گواهی‌های مربوط به امتیازات تعرفه‌ای.
- پروتکل‌های الحاق کشورهای به گات ۱۹۴۷.
- معافیت‌های اعطا شده از سوی طرف‌های متعاقد به برخی کشورها برای عدم اجرای برخی تعهدات خاص (Waivers) بر اساس ماده ۲۵ گات ۱۹۴۷.
- سایر تصمیمات طرف‌های متعاقد گات ۱۹۴۷.

همچنین تفاهم‌نامه‌هایی برای تفسیر برخی مواد موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۴۷ تصویب شده است که شامل موارد زیر است:

- تفاهم‌نامه تفسیر ماده b درباره جداول امتیازات.
- تفاهم‌نامه اصلاح ماده ۱۷ درباره شرکت‌های تجاری دولتی.
- تفاهم‌نامه مربوط به مواد تراز پرداخت‌ها در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت.
- تفاهم‌نامه تفسیر ماده ۲۴ درباره اتحادیه‌های گمرکی و مناطق آزاد تجاری.
- تفاهم‌نامه مربوط به معافیت از تعهدات خاص در چارچوب موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت.
- تفاهم‌نامه تفسیر ماده ۲۸ درباره تغییر جداول تعرفه‌ای.

- پروتکل دور اروگوئه درباره موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۹۴ که به عنوان پروتکل الحاق کشورها به سازمان تجارت جهانی شناخته می‌شود.

۱.۳. موافقتنامه ارزش گذاری گمرکی^۱

گمرک‌ها نقش مهمی در تجارت خارجی دارند و تعیین ارزش کالاهای وارداتی و صادراتی مبنای محاسبه حقوق و عوارض گمرکی است. به همین دلیل، موافقتنامه ارزش گذاری گمرکی سازمان تجارت جهانی برای ایجاد نظامی عادلانه، شفاف و یکسان تدوین شد تا از تعیین خودسرانه ارزش کالا جلوگیری شود. بر اساس این موافقتنامه، اصل اساسی در ارزش گذاری، «ارزش معاملاتی» یا قیمت واقعی پرداخت شده برای کالا است. اگر تعیین ارزش بر مبنای ارزش معاملاتی ممکن نباشد، از روش‌های جایگزین مانند ارزش کالای همسان، کالای مشابه، قیمت فروش در کشور واردکننده و ارزش محاسباتی استفاده می‌شود. در نهایت، اگر هیچ‌یک از این روش‌ها قابل اجرا نباشد، گمرک می‌تواند با استفاده از روش‌های معقول و اطلاعات موجود ارزش کالا را تعیین کند. همچنین گمرک‌ها در صورت تردید نسبت به اطلاعات ارائه شده از سوی واردکننده، حق مطالبه اسناد تکمیلی و رد ارزش اظهار شده را دارند. هدف اصلی این موافقتنامه ایجاد نظامی قابل پیش‌بینی و جلوگیری از اختلافات گمرکی است. با این حال، در عمل اختلاف بر سر واقعی بودن ارزش معاملاتی، هزینه‌های جانبی و نحوه اجرای روش‌های جایگزین از مهم‌ترین چالش‌های اجرایی به شمار می‌رود. در نظام حقوقی ایران نیز بخش قابل توجهی از اختلافات گمرکی به تعیین ارزش کالا و پذیرش اسناد تجاری مربوط می‌شود [۱۳].

۲.۳. موافقتنامه بازرسی پیش از حمل کالا

موافقتنامه «بازرسی قبل از بارگیری» (PSI) به استفاده از شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی برای بررسی جزئیات کالاهای تجاری پیش از حمل، به‌ویژه از نظر قیمت، کمیت و کیفیت، مربوط می‌شود. هدف اصلی این موافقتنامه ایجاد چارچوبی بین‌المللی برای نظارت بر فعالیت این مؤسسات و جلوگیری از ایجاد موانع غیرضروری در تجارت بین کشورها است. بسیاری از کشورهای در حال توسعه پیش از دور اروگوئه از این روش برای کنترل کالاهای وارداتی استفاده می‌کردند تا از فرار گمرکی، خروج غیرقانونی ارز و تخلفات تجاری جلوگیری شود. این موافقتنامه با هدف تأمین منافع مالی دولت‌ها، جلوگیری از کلاهبرداری‌های تجاری و جبران ضعف‌های اداری در گمرک‌ها و بنادر تدوین شد. یکی از مهم‌ترین اهداف آن مقابله با ارزش گذاری غیرواقعی کالاها است. اگر ارزش کالا کمتر از میزان واقعی اعلام شود، حقوق و عوارض گمرکی کاهش یافته و

^۱ Customs Valuation Agreement (CVA)

درآمد دولت کم می‌شود. در مقابل، ارزش‌گذاری بیش از حد کالا، به‌ویژه در کشورهایی که نظام کنترل ارزی دارند، می‌تواند موجب خروج ارز از کشور شود. بر اساس این موافقت‌نامه، کشورهایی که از خدمات بازرسی قبل از بارگیری استفاده می‌کنند، موظف به رعایت اصولی مشخص هستند. مهم‌ترین این تعهدات شامل رعایت اصل عدم تبعیض، شفافیت در قوانین و رویه‌ها، حفاظت از اطلاعات محرمانه تجاری، جلوگیری از تأخیرهای غیرضروری، استفاده از استانداردهای بین‌المللی و اجتناب از تعارض منافع مؤسسات بازرسی است. همچنین واردکنندگان باید در صورت بروز اختلاف، از حق اعتراض و استیناف برخوردار باشند. از سوی دیگر، کشورهای صادرکننده عضو سازمان تجارت جهانی نیز تعهداتی بر عهده دارند. این کشورها باید قوانین و مقررات داخلی خود را بدون تبعیض اجرا کنند، مقررات مرتبط را به‌صورت شفاف منتشر سازند و در صورت نیاز، کمک‌های فنی لازم را به کشورهای استفاده‌کننده از خدمات بازرسی ارائه دهند. موافقت‌نامه همچنین بر ارائه کمک‌های فنی به کشورهای در حال توسعه تأکید دارد تا بتوانند از این نظام به‌درستی استفاده کنند. برای حل اختلافات میان صادرکنندگان و مؤسسات بازرسی، سازوکار ویژه‌ای در این موافقت‌نامه پیش‌بینی شده است. این فرآیند تجدیدنظر توسط فدراسیون بین‌المللی آژانس‌های بازرسی^۱ و اتاق بین‌المللی تجارت^۲ اداره می‌شود و هدف آن حل‌وفصل اختلافات و جلوگیری از طولانی شدن دعاوی تجاری است. در مجموع، موافقت‌نامه بازرسی قبل از بارگیری با هدف ایجاد نظم و شفافیت در تجارت بین‌الملل تدوین شد تا کشورها نتوانند از طریق رویه‌های بازرسی، موانع ناعادلانه و غیرضروری در تجارت ایجاد کنند. این موافقت‌نامه برای تمامی اعضای سازمان تجارت جهانی لازم‌الاجرا بوده و رعایت مقررات آن برای کشورهای عضو الزامی است. مهم‌ترین چالش اجرایی این موافقت‌نامه، امکان بروز اختلاف میان گزارش مؤسسات بازرسی و ارزیابی مراجع گمرکی داخلی است؛ به‌ویژه در مواردی که ارزش یا مشخصات کالا مورد اختلاف قرار گیرد. چنین اختلافاتی ممکن است موجب تأخیر در ترخیص کالا و افزایش دعاوی گمرکی شود. در نظام حقوقی ایران نیز ارزیابی اسناد و گزارش‌های مربوط به بازرسی کالا در برخی موارد می‌تواند در تشخیص ارزش یا ماهیت کالا مؤثر باشد و زمینه اختلاف میان صاحب کالا و گمرک را ایجاد کند [۱۴].

۳.۳. موافقت‌نامه قواعد مبدأ

تحولات فناوری و گسترش تقسیم کار بین‌المللی باعث شده است مراحل تولید بسیاری از کالاها در کشورهای مختلف انجام شود و محصول نهایی در کشور دیگری مونتاژ گردد. همچنین توسعه مناطق آزاد تجاری، اتحادیه‌های گمرکی و توافقات منطقه‌ای موجب شده کشورها به برخی شرکای تجاری خود ترجیحات تعرفه‌ای اعطا کنند. در چنین شرایطی، تعیین مبدأ کالا اهمیت زیادی یافته است. قواعد مبدأ مجموعه مقرراتی است که مشخص می‌کند کالا متعلق به کدام کشور است. این قواعد نقش مهمی در سیاست‌های تجاری دارند و برای اعمال تعرفه‌های ترجیحی، سهمیه‌های وارداتی، اقدامات ضد دامپینگ،

^۱ International Federation of Inspection Agencies (IFIA)

^۲ International Chamber of Commerce (ICC)

عوارض جبرانی و تنظیم آمارهای تجاری استفاده می‌شوند. با گسترش جهانی‌شدن و پراکندگی مراحل تولید در کشورهای مختلف، تعیین مبدأ کالا پیچیده‌تر شده و نیاز به قواعد هماهنگ و شفاف بیش از پیش احساس می‌شود. به منظور جلوگیری از آنکه تفاوت قوانین مبدأ^۱ در کشورهای مختلف به مانعی در برابر تجارت تبدیل شود و همچنین برای تضمین شفافیت و بی‌طرفی در تعیین مبدأ کالا، در دور اروگوئه مذاکراتی انجام شد که به تدوین «موافقت‌نامه قواعد مبدأ» انجامید. هدف این موافقت‌نامه آن است که قواعد مبدأ به صورت منصفانه، شفاف، قابل پیش‌بینی و بدون تبعیض تدوین و اجرا شوند. بر اساس این مقررات، مبدأ کالا کشوری است که کالا به طور کامل در آن تولید شده یا در صورتی که بیش از یک کشور در تولید آن نقش داشته باشند، کشوری مبدأ محسوب می‌شود که آخرین تغییر اساسی در کالا در آنجا صورت گرفته است. در این موافقت‌نامه همچنین تأکید شده است که اگر معیارهایی مانند درصد ارزش افزوده یا فرآیند تولید برای تعیین مبدأ استفاده شود، نحوه محاسبه و عملیات مربوط به آن باید به طور دقیق مشخص گردد. علاوه بر این، اصولی مانند شفافیت، حفظ اطلاعات محرمانه تجاری، جلوگیری از تأخیر در تصمیم‌گیری و امکان اعتراض و رسیدگی مجدد در صورت بروز اختلاف نیز مورد توجه قرار گرفته است. این موافقت‌نامه تنها به قواعد مبدأ غیرترجیحی مربوط می‌شود و قواعد مبدأ ترجیحی در چارچوب توافق‌های تجاری منطقه‌ای به طور جداگانه تعیین می‌شوند. اجرای این موافقت‌نامه برای تمامی اعضای سازمان تجارت جهانی الزامی است. همچنین کمیته‌ای در سازمان تجارت جهانی و یک کمیته فنی تحت نظارت سازمان جهانی گمرک برای بررسی و هماهنگی اجرای قواعد مبدأ تشکیل شده‌اند. هدف نهایی این نظام، تسهیل تجارت بین‌المللی و ایجاد هماهنگی بیشتر در قواعد تعیین مبدأ کالا در سطح جهانی است [۱۵].

۴.۳. موافقت‌نامه رویه‌های صدور مجوز ورود

موافقت‌نامه رویه‌های صدور مجوز ورود از دستاوردهای دور توکیو گات است که در دور اروگوئه تکمیل شد و امروزه به عنوان بخشی از نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی برای همه اعضا لازم‌الاجرا است. هدف اصلی این موافقت‌نامه جلوگیری از تبدیل نظام صدور مجوز واردات به مانعی غیرتعرفه‌ای در تجارت بین‌الملل است. بر این اساس، فرآیند صدور مجوز باید ساده، شفاف، منصفانه و قابل پیش‌بینی باشد و نباید محدودیت غیرضروری بر تجارت ایجاد کند. همچنین دولت‌ها موظف‌اند اطلاعات مربوط به نظام مجوزدهی، کالاهای مشمول و نهادهای مسئول را منتشر کرده و هرگونه تغییر را به سازمان تجارت جهانی اطلاع دهند. این موافقت‌نامه مجوزهای وارداتی را به دو دسته «خودکار» و «غیرخودکار» تقسیم می‌کند. مجوزهای خودکار صرفاً برای اهداف اداری و آماری به کار می‌روند و نباید اثر محدودکننده بر واردات داشته باشند؛ پاسخ این درخواست‌ها نیز باید حداکثر ظرف ۱۰ روز کاری صادر شود. در مقابل، مجوزهای غیرخودکار برای کنترل واردات و اجرای سیاست‌های تجاری استفاده می‌شوند، اما نباید بیش از حد لازم محدودکننده باشند و مدت بررسی آن‌ها نیز محدود شده است. از مهم‌ترین اصول

^۱ Rules of Origins

این موافقت‌نامه، شفافیت و اطلاع‌رسانی عمومی است. کشورها باید فهرست کالاهای مشمول مجوز، شرایط درخواست و اهداف اعمال آن را منتشر کنند. به‌طور کلی، این موافقت‌نامه در پی ایجاد تعادل میان حق دولت‌ها در تنظیم تجارت خارجی و ضرورت حفظ آزادی و شفافیت تجارت بین‌المللی است و تلاش می‌کند از استفاده حمایتی و محدودکننده از مجوزهای وارداتی جلوگیری کند [۱۵].

۳.۵. موافقت‌نامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۴۷

مقررات کنونی سازمان تجارت جهانی در زمینه ارزش‌گذاری گمرکی کالا حاصل یک روند تدریجی تحول حقوقی است که نقطه آغاز آن را می‌توان تصویب و اجرای ماده ۷ گات در سال ۱۹۴۸ دانست. این ماده نخستین تلاش منسجم برای تعیین چارچوبی کلی در زمینه ارزش‌گذاری گمرکی بود، هرچند خود متضمن یک روش مشخص و واحد برای تعیین ارزش کالا محسوب نمی‌شد. ماده ۷ صرفاً اصول کلی حاکم بر ارزش‌گذاری را بیان می‌کرد و به کشورها اجازه می‌داد نظام مورد نظر خود را در چارچوب همان اصول طراحی و اجرا کنند. در صدر این ماده، بر لزوم ملاک قرار دادن «ارزش واقعی» کالای وارداتی تأکید شده و صراحتاً ارزش‌گذاری‌های مبتنی بر اهداف ملی، ارزش‌های ساختگی یا خودسرانه ممنوع اعلام شده بود. به بیان دیگر، کشورها نمی‌توانستند برای حمایت از تولید داخلی یا افزایش درآمدهای گمرکی، ارزش‌هایی غیرواقعی یا تبعیض‌آمیز برای کالاهای وارداتی تعیین کنند. با این حال، در مواردی که ارزش واقعی کالا به روشنی قابل تعیین نبود، نزدیک‌ترین ارزش قابل تقویم برای کالای همسان یا مشابه باید مبنای ارزیابی قرار می‌گرفت. ارزش کالای همسان نیز قیمتی تعریف می‌شد که آن کالا در زمان و مکان مشخص و تحت شرایط رقابت کامل در کشور واردکننده معامله می‌شد. چنانچه ارزیابی کالا بر اساس معیارهای کمی صورت می‌گرفت، ارزش‌گذاری باید با توجه به مقادیر قابل مقایسه کالای همسان انجام می‌شد یا با در نظر گرفتن حجم تجارت میان کشور صادرکننده و واردکننده محاسبه می‌گردید، مشروط بر آنکه این شیوه موجب ورود خسارت به واردکنندگان نشود. با وجود تأکید بر اصل «ارزش واقعی»، انشای کلی و موسع ماده ۷ موجب شد کشورها بتوانند از روش‌های متفاوت و بعضاً متعارض در تعیین ارزش گمرکی استفاده کنند. افزون بر کلی‌گویی این ماده، وجود «شرط پدربزرگ»^۱ در موافقت‌نامه اولیه نیز به برخی از امضاکنندگان اجازه می‌داد حتی مقرراتی مغایر با اصول گات را حفظ کنند. هدف از درج این شرط، تسهیل و تسریع اجرای موافقت‌نامه و جلوگیری از تأخیر در پیوستن کشورها بود. با این حال، این شرط در چارچوب گات ۱۹۹۴ تداوم نیافت. در نتیجه، تا پیش از تصویب موافقت‌نامه ارزش‌گذاری گمرکی در سال ۱۹۷۹، نظام‌های ملی ارزش‌گذاری با تنوع و ناهماهنگی گسترده‌ای مواجه بودند. در این دوره دو رویکرد اصلی بر ارزش‌گذاری

^۱ Grandfather clause

حاکم بود: رویکرد «ذهنی»^۱ که به ارزیابی‌های اداری و برآوردی متکی بود، و رویکرد «عینی»^۲ که تلاش داشت بر معیارهای قابل اندازه‌گیری و واقعی بازار تکیه کند. این اختلاف رویکردها زمینه‌ساز اصلاحات بعدی و تدوین نظامی منسجم‌تر در چارچوب سازمان تجارت جهانی شد [۱۶].

۳.۶. اجرای مقررات موافقتنامه قواعد مبدا

کشورهای در حال توسعه در طول زمان از تغییرات قواعد مبدا در کشورهای توسعه‌یافته متحمل زیان‌هایی شده‌اند؛ به‌ویژه در مورد قواعد تعیین مبدا محصولات نساجی که دسترسی کالاهای این کشورها به بازارهای بین‌المللی را با محدودیت مواجه کرده است. به همین دلیل، در جریان مذاکرات دور اروگوئه، این کشورها خواستار اصلاح و بهبود قواعد مبدا به‌ویژه در چارچوب نظام عمومی ترجیحات (GSP) شدند. بخشی از اهداف منعکس در موافقت‌نامه قواعد مبدا نیز در پاسخ به همین مطالبات شکل گرفت. از جمله این اهداف می‌توان به ضرورت تدوین و اجرای قواعد مبدا به‌صورت بی‌طرفانه، شفاف، قابل پیش‌بینی، منسجم و غیرتبعیض‌آمیز اشاره کرد؛ به‌گونه‌ای که این قواعد از تحمیل الزامات پیچیده و غیرضروری بر تجارت بین‌المللی جلوگیری کنند. در همین راستا، «اعلامیه مشترک درباره قواعد مبدا ترجیحی» که به موافقت‌نامه ضمیمه شده است، کشورهای اعطاکننده ترجیحات را ملزم می‌کند معیارهای تعیین مبدا را به‌طور روشن تعریف کرده و شفافیت و قابلیت پیش‌بینی در اجرای این قواعد را تضمین کنند. همچنین این کشورها موظف هستند قواعد مبدا ترجیحی خود و هرگونه تغییر در آن‌ها را به دبیرخانه سازمان تجارت جهانی اطلاع دهند. اگرچه بسیاری از کشورهای در حال توسعه به‌عنوان دریافت‌کنندگان ترجیحات، بیشتر بر قواعد مبدا ترجیحی تمرکز دارند، اما در عمل ناگزیر در فرایند هماهنگ‌سازی قواعد مبدا غیرترجیحی نیز مشارکت می‌کنند؛ حوزه‌ای که عموماً مورد توجه کشورهای توسعه‌یافته است. زیرا در صورتی که این قواعد بدون در نظر گرفتن منافع کشورهای در حال توسعه تدوین شوند، دسترسی کالاهای آن‌ها به بازارهای جهانی با موانع جدی مواجه خواهد شد. علاوه بر این، با توجه به کاهش تدریجی حاشیه‌های ترجیحی در پی مذاکرات دور اروگوئه، ساده‌سازی و اصلاح قواعد مبدا در چارچوب نظام GSP به یک ضرورت تبدیل شده است. در چنین چارچوب حقوقی - اقتصادی، بسیاری از کشورهای در حال توسعه اقداماتی را برای تطبیق معیارها و ضوابط تعیین مبدا خود با مفاد ماده ۲ موافقت‌نامه قواعد مبدا، که به نظامات دوران انتقالی اختصاص دارد، انجام داده‌اند. رعایت این اصول تا زمان دستیابی به یک نظام هماهنگ جهانی برای قواعد مبدا غیرترجیحی برای تمامی اعضای سازمان تجارت جهانی الزام‌آور است. با این حال، کشورها همچنان در تعیین قواعد مبدا ترجیحی در چارچوب توافقات دوجانبه یا چندجانبه از آزادی عمل برخوردارند و تعهد اصلی آن‌ها در این حوزه، اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی است. بر اساس ماده ۵ موافقت‌نامه قواعد مبدا، هر عضو سازمان تجارت جهانی موظف است حداکثر

^۱ Notional Concept

^۲ Positive Concept

ظرف ۹۰ روز پس از لازم‌الاجرا شدن موافقت‌نامه برای آن کشور، قواعد مبدأ، تصمیمات قضایی و احکام اداری دارای کاربرد عام مربوط به قواعد مبدأ را به دبیرخانه سازمان ارائه دهد. همچنین چنانچه کشوری تغییرات قابل توجهی در قواعد مبدأ خود ایجاد کند یا قواعد جدیدی وضع نماید، باید حداقل ۶۰ روز پیش از اجرای آن، اطلاعیه‌ای منتشر کند تا طرف‌های ذی‌نفع از اهداف و ماهیت تغییرات آگاه شوند؛ مگر آنکه شرایط استثنایی مانع این امر باشد. افزون بر این، اعضا موظفاند قواعد مبدأ ترجیحی خود و هرگونه اصلاح یا مقررات جدید در این زمینه را نیز فوراً به دبیرخانه سازمان تجارت جهانی اعلام کنند. این الزام در بند ۴ ضمیمه دوم موافقت‌نامه قواعد مبدأ تصریح شده و هدف آن افزایش شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری در نظام تجارت بین‌المللی است [۱۲، ۱۷].

۷.۳. تاثیر گمرک جهانی در اجرای موافقت‌نامه ارزش‌گذاری

سازمان جهانی گمرک نقش مهمی در اجرای مؤثر موافقت‌نامه ارزش‌گذاری گمرکی و تسهیل تجارت بین‌المللی دارد. گمرکات کشورها برای افزایش امنیت و روان‌سازی تجارت جهانی باید از استانداردهای مشترک پیروی کرده و همکاری نزدیکی با یکدیگر داشته باشند. این همکاری امکان مقابله با تهدیدهایی مانند تروریسم و جرائم فراملی را فراهم می‌کند، بدون آنکه تجارت قانونی دچار اختلال شود. یکی از اصول اساسی در این زمینه، شناسایی و بازرسی محموله‌های پرخطر پیش از ورود به کشور مقصد است که از طریق اطلاعات الکترونیکی، سیستم‌های مدیریت خطر و فناوری‌هایی مانند اسکنرهای اشعه ایکس و گاما انجام می‌شود. استانداردهای سازمان جهانی گمرک بر مدیریت یکپارچه زنجیره تأمین، استفاده از تجهیزات پیشرفته بازرسی، تبادل اطلاعات و ایجاد سیستم‌های جامع مدیریت خطر تأکید دارند. گمرکات موظفاند محموله‌های مشکوک را شناسایی کرده، در صورت لزوم با سایر کشورها بازرسی مشترک انجام دهند و گزارش‌های آماری مربوط به اقدامات اجرایی را ثبت و نگهداری کنند. همچنین همکاری میان گمرک و سایر نهادهای مسئول و توجه به اصل درستکاری و مقابله با فساد اداری از الزامات مهم این چارچوب است. یکی از محورهای مهم سیاست‌های گمرکی جدید، توسعه همکاری میان گمرک و بخش خصوصی از طریق نظام «فعال اقتصادی مجاز» است. در این نظام، شرکت‌هایی که استانداردهای امنیتی را رعایت کنند، از مزایایی مانند کاهش بازرسی‌ها و تسریع در ترخیص کالا بهره‌مند می‌شوند. این رویکرد بر اعتماد متقابل میان گمرک و فعالان اقتصادی استوار است و استفاده از فناوری‌های نوین برای حفظ امنیت و سلامت عملیات تجاری را تقویت می‌کند. گمرک تنها نقش محدودکننده در تجارت ندارد، بلکه مسئول حفاظت از امنیت ملی، سلامت عمومی، منافع اقتصادی و ارزش‌های اجتماعی کشورها نیز هست. به همین دلیل وجود نظام گمرکی کارآمد، سریع و شفاف اهمیت زیادی دارد. در همین راستا، سازمان جهانی گمرک با تدوین «کنوانسیون کیوتو» تلاش کرده است رویه‌های گمرکی را هماهنگ و ساده‌سازی کند. این کنوانسیون استفاده از سیستم‌های الکترونیکی، پردازش خودکار اطلاعات و پذیرش اسناد الکترونیکی را تشویق می‌کند تا زمان و هزینه ترخیص کالا کاهش یابد. در مجموع، کارآمدی نظام‌های گمرکی تأثیر مستقیمی بر رقابت‌پذیری اقتصادی کشورها و توسعه تجارت جهانی دارد. در اقتصاد امروز که تجارت الکترونیک و زنجیره‌های تأمین پیچیده گسترش

یافته‌اند، ترخیص سریع، شفاف و قابل پیش‌بینی کالا به یکی از عوامل اصلی موفقیت اقتصادی تبدیل شده است. بنابراین اجرای استانداردهای بین‌المللی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و تقویت همکاری‌های گمرکی، نقش اساسی در تحقق تجارت امن و تسهیل‌شده ایفا می‌کنند [۱۲، ۱۸].

۴. چالش‌های حقوقی طبقه‌بندی تعرفه‌ای و ارزش‌گذاری گمرکی کالا

تعیین ارزش گمرکی کالا از مهم‌ترین موضوعات در حقوق گمرکی و تجارت بین‌الملل به شمار می‌رود؛ زیرا مبنای محاسبه حقوق و عوارض گمرکی، اعمال سیاست‌های تجاری و تنظیم روابط اقتصادی میان دولت‌ها و فعالان تجاری است. با گسترش تجارت جهانی و افزایش حجم مبادلات بین‌المللی، ضرورت ایجاد نظامی هماهنگ و شفاف برای ارزش‌گذاری کالاها بیش از پیش احساس شد. در همین راستا، موافقت‌نامه ارزش‌گذاری گمرکی سازمان تجارت جهانی با هدف جلوگیری از تعیین ارزش‌های سلیقه‌ای و ایجاد وحدت رویه در نظام‌های گمرکی کشورها تدوین شد و اصل را بر استفاده از ارزش معاملاتی کالا قرار داد. با وجود پیش‌بینی قواعد و روش‌های مشخص در این موافقت‌نامه، اجرای نظام ارزش‌گذاری گمرکی در عمل همواره با مسائل و چالش‌های متعددی همراه بوده است. تفاوت در تفسیر مقررات، دشواری احراز ارزش واقعی کالا، احتمال کم‌اظهاری، پیچیدگی معاملات تجاری و همچنین تفاوت سطح امکانات و توان اجرایی کشورها از جمله عواملی است که می‌تواند موجب بروز اختلاف میان واردکنندگان و مقامات گمرکی شود. افزون بر این، اجرای مقررات بین‌المللی ارزش‌گذاری در کشورهای در حال توسعه با موانع و محدودیت‌های اجرایی بیشتری مواجه است و گاه میان الزامات حقوقی موافقت‌نامه و امکانات عملی اجرای آن تعارض ایجاد می‌شود. بر این اساس، بررسی چالش‌های ارزش‌گذاری گمرکی، اختلافات ناشی از تعیین ارزش کالا و نیز تعارض میان مقررات و اجرای عملی آن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا شناخت این مسائل می‌تواند در افزایش شفافیت، کاهش اختلافات گمرکی و بهبود اجرای مقررات ارزش‌گذاری نقش مؤثری ایفا کند. در این بخش، ابتدا چالش‌های اصلی ارزش‌گذاری گمرکی مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس اختلافات ناشی از تعیین ارزش و سازوکارهای حل و فصل آن تبیین می‌شود و در نهایت، تعارض میان مقررات بین‌المللی و الزامات اجرایی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، تحلیل خواهد شد.

۴.۱. چالش‌های ارزش‌گذاری گمرکی

ارزش گذاری گمرکی کالا یکی از مهم ترین عناصر نظام تجارت بین الملل است، زیرا مبنای محاسبه حقوق و عوارض گمرکی و در نتیجه تعیین بخشی از درآمدهای دولت از تجارت خارجی به شمار می رود. موافقت نامه ارزش گذاری گمرکی سازمان تجارت جهانی برای ایجاد نظامی شفاف، عادلانه و قابل پیش بینی تدوین شده و اصل را بر استفاده از «ارزش معاملاتی» یعنی قیمت واقعی پرداختی یا قابل پرداخت برای کالا قرار داده است. با این حال، اجرای این مقررات در عمل با چالش ها و اختلافات متعددی همراه است. یکی از مهم ترین چالش ها، تردید مقامات گمرکی نسبت به صحت ارزش اعلامی واردکنندگان و احتمال کم اظهاری در اسناد تجاری است. در این شرایط، گمرک ممکن است اسناد تکمیلی مطالبه کرده یا ارزش اظهار شده را نپذیرد و از روش های جایگزین مانند ارزش کالای همسان، مشابه یا ارزش محاسباتی استفاده کند. همچنین وجود رابطه میان خریدار و فروشنده می تواند تعیین ارزش واقعی کالا را دشوار کند، زیرا ممکن است این رابطه بر قیمت معامله تأثیر گذاشته باشد. از دیگر مشکلات مهم، نحوه محاسبه هزینه هایی مانند حمل و نقل، بیمه، حق امتیاز و سایر هزینه های جانبی است که باید به ارزش کالا افزوده شود. علاوه بر این، محدودیت دسترسی به اطلاعات دقیق تجاری، تفاوت در شرایط معامله، حجم خرید و زمان انجام معامله، اجرای روش های جایگزین ارزش گذاری را پیچیده تر می کند. در کنار این مسائل، ایجاد تعادل میان نیاز گمرک به اطلاعات کافی و حفظ محرمانگی اطلاعات تجاری شرکت ها نیز از چالش های مهم اجرایی به شمار می رود. در نهایت، وجود سازوکارهای مناسب برای رسیدگی به اعتراضات، توسعه سامانه های الکترونیکی و تبادل اطلاعات میان نهادهای مرتبط می تواند به کاهش اختلافات و اجرای دقیق تر مقررات ارزش گذاری گمرکی کمک کند [۱۹].

۲.۴. اختلاف در تعیین ارزش

اختلاف در تعیین ارزش گمرکی زمانی مطرح می شود که میان واردکننده و مقامات گمرکی در خصوص نحوه تعیین ارزش کالا یا انتخاب روش مناسب ارزش گذاری اختلاف نظر به وجود آید. به طور کلی، در نظام سازمان تجارت جهانی اختلاف هنگامی شکل می گیرد که یکی از دولت های عضو معتقد باشد دولت عضو دیگر تعهدات ناشی از موافقت نامه های مربوطه را نقض کرده است. در چنین وضعیتی، دولت مدعی موظف است درخواست مشاوره خود را همراه با اشاره به موافقت نامه ای که به اعتقاد وی نقض شده است ثبت کند. در حوزه ارزش گذاری گمرکی نیز در عمل گاه میان واردکننده و گمرک اختلافاتی بروز می کند. این اختلافات غالباً درباره ماهیت ارزش گذاری کالا یا انتخاب روش مناسب برای تعیین ارزش گمرکی شکل می گیرد. از این رو، آیین دادرسی در امور گمرکی و به ویژه در موضوع ارزش گذاری کالا از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. از نظر حقوقی، مهم ترین منبع رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای موافقت نامه ارزش گذاری گمرکی، «تفاهم نامه قواعد و رویه های حاکم بر حل و فصل اختلافات» در سازمان تجارت جهانی است. بر اساس این تفاهم نامه، نهادی تحت عنوان رکن حل اختلاف ایجاد شده که وظایفی همچون تشکیل هیئت های رسیدگی، نظارت بر روند رسیدگی، تصویب گزارش های هیئت ها و مرجع استیناف و همچنین صدور مجوز تعلیق امتیازات برای اعضای متخلف را بر عهده دارد. در چارچوب این نظام، ابتدا تلاش می شود اختلافات از طریق روش های مسالمت آمیزی مانند مذاکره، مساعی جمیله، میانجی گری و سازش حل و فصل شود و در صورت توافق طرفین، امکان ارجاع موضوع به داوری نیز وجود دارد. چنانچه این روش ها به نتیجه نرسد،

رسیدگی به اختلاف به هیئت رسیدگی واگذار می‌شود. در این مرحله، طرف مدعی ابتدا درخواست مشاوره را مطرح می‌کند و در صورت عدم حل اختلاف در مهلت‌های مقرر یا عدم همکاری طرف مقابل، می‌تواند درخواست تشکیل هیئت رسیدگی را ارائه دهد. هیئت رسیدگی که معمولاً از سه تا پنج عضو تشکیل می‌شود، وظیفه دارد به بررسی عینی موضوع اختلاف پرداخته، اوضاع و احوال پرونده را با مقررات موافقت‌نامه تطبیق دهد و با طرفین اختلاف مشورت کند. در نهایت، نتیجه بررسی‌های خود را در قالب گزارشی مکتوب به رکن حل اختلاف ارائه می‌دهد. گزارش هیئت رسیدگی ممکن است در صورت اعتراض یکی از طرفین یا بنا به تصمیم رکن حل اختلاف به طور مستقیم تصویب نشود. در چنین حالتی، موضوع به مرجع استیناف ارجاع داده می‌شود تا بررسی مجدد انجام گیرد و رأی نهایی صادر شود [۱۹].

۳.۴. تعارض مقررات و اجرا

با تأسیس سازمان تجارت جهانی، تعهدی حقوقی برای کشورهای عضو ایجاد شد تا به موافقت‌نامه‌های تجاری چندجانبه، از جمله موافقت‌نامه ارزش‌گذاری گمرکی، پایبند باشند. با این حال، برای کشورهای در حال توسعه برخی تسهیلات و استثنائات در نظر گرفته شد تا بتوانند مقررات مزبور را به تدریج اجرا کنند. از جمله این تسهیلات می‌توان به مهلت‌های پیش‌بینی‌شده در ماده ۲۰ موافقت‌نامه اشاره کرد. بر اساس این ماده، کشورهای در حال توسعه می‌توانستند برای اجرای کامل مقررات موافقت‌نامه از دوره‌های انتقالی سه تا پنج‌ساله بهره‌مند شوند و در صورت ارائه دلایل موجه، درخواست تمدید این مهلت‌ها را نیز مطرح کنند. هرچند این دوره‌های زمانی برای بسیاری از کشورها به پایان رسیده است، اما در فرایند الحاق کشورهای جدید به سازمان تجارت جهانی، در صورت اثبات نیاز به زمان بیشتر برای انطباق با نظام ارزش‌گذاری گمرکی، ممکن است مهلت‌های مشخصی برای اجرای مقررات در نظر گرفته شود. علاوه بر این، برخی حق‌شرط‌ها و تسهیلات خاص نیز برای کشورهای در حال توسعه پیش‌بینی شده است. از جمله این موارد می‌توان به امکان حفظ معیار «ارزش حداقل» در نظام ارزش‌گذاری گمرکی برای دوره‌های محدود اشاره کرد. همچنین در مواردی این کشورها می‌توانستند حقی را که برای واردکننده در خصوص تغییر ترتیب اجرای دو روش «قیاسی» و «محاسباتی» در نظر گرفته شده بود، محدود یا سلب کنند. با وجود این تسهیلات، در عمل نمی‌توان گفت که امتیازات قابل توجهی برای کشورهای در حال توسعه ایجاد شده است؛ زیرا این کشورها پس از عضویت در موافقت‌نامه همچنان ملزم به رعایت مقررات ماهوی آن هستند. از همین رو، اجرای کامل این مقررات برای بسیاری از آنها با دشواری‌هایی همراه است. از جمله چالش‌های اجرایی که حتی در گزارش‌های کمیته ارزش‌گذاری گمرکی نیز مورد اشاره قرار گرفته، می‌توان به دشواری شناسایی پرداخت‌های غیرمستقیم به فروشنده یا اشخاص ثالث در صورت عدم اعلام توسط واردکننده، مشکل در تشخیص وجود روابط مؤثر بر قیمت معامله، عدم درج کمیسیون‌ها در برخی معاملات انحصاری و نیز مسائل مربوط به واسطه‌گری در معاملات تجاری اشاره کرد. در چنین شرایطی، اتکای صرف به روش «ارزش معاملاتی» در تعیین ارزش گمرکی کالاها ممکن است با مشکلاتی مانند کم‌اظهاری مواجه شود؛ پدیده‌ای که در برخی کشورهای در حال توسعه بیشتر مشاهده می‌شود. از این رو، در مواردی استفاده از سایر روش‌های ارزش‌گذاری پیش‌بینی‌شده در موافقت‌نامه، که مستلزم وجود کارشناسان و ارزیابان متخصص است، می‌تواند کارآمدتر و دقیق‌تر باشد [۱۹].

۵. نتیجه گیری

در مجموع، بررسی مبانی حقوقی طبقه بندی تعرفه ای و ارزش گذاری گمرکی نشان می دهد که این دو نهاد، صرفاً ابزارهای فنی برای تعیین حقوق ورودی نیستند، بلکه از ارکان اصلی تنظیم تجارت بین الملل، تضمین شفافیت در مبادلات و کاهش اختلافات تجاری به شمار می آیند. نظام هماهنگ شده توصیف و کدگذاری کالا (HS) در حوزه طبقه بندی تعرفه ای و موافقت نامه ارزش گذاری گمرکی در چارچوب سازمان تجارت جهانی، مهم ترین بسترهای حقوقی بین المللی برای ایجاد وحدت رویه، پیش بینی پذیری و محدودسازی اعمال سلیقه اداری در فرایندهای گمرکی محسوب می شوند. با این حال، یافته های این مقاله نشان می دهد که چالش اصلی در این حوزه نه در فقدان قواعد بین المللی، بلکه در پیچیدگی تفسیر و نحوه اجرای عملی آنها نهفته است. به بیان دیگر، هرچند اسناد بین المللی موجود از ظرفیت بالایی برای ایجاد هماهنگی برخوردارند، اختلاف در برداشت از اوصاف کالا، نحوه اعمال قواعد تفسیری، شیوه احراز ارزش واقعی، و نیز تفاوت سطح آمادگی نهادی و تخصصی کشورها، همچنان زمینه ساز بروز اختلافات گمرکی است. از همین رو، کارآمدی این نظام بیش از آنکه وابسته به صرف وجود قواعد باشد، به کیفیت اجرا، آموزش تخصصی، شفافیت رویه های اداری و وحدت در تفسیر مقررات بستگی دارد. از منظر حقوق داخلی نیز می توان گفت که بهره گیری مؤثر از استانداردهای بین المللی مستلزم آن است که نظام حقوقی و اجرایی کشورها، از جمله ایران، صرفاً به پذیرش شکلی این قواعد بسنده نکند، بلکه سازوکارهای اجرایی لازم برای انطباق با آنها را نیز فراهم آورد. در این زمینه، تقویت آموزش تخصصی مأموران گمرکی، تدوین دستورالعمل های روشن تر برای طبقه بندی و ارزش گذاری، کاهش ابهام در تصمیمات اداری، و استفاده از رویه های تفسیری منسجم، از مهم ترین پیش شرط های کاهش اختلافات و ارتقای امنیت حقوقی در تجارت خارجی است. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که موفقیت نظام حقوقی حاکم بر طبقه بندی تعرفه ای و ارزش گذاری گمرکی، در گروی تلفیق دو عنصر اساسی است: نخست، اتکای مؤثر به چارچوب های بین المللی موجود؛ و دوم، ایجاد ظرفیت اجرایی و تفسیری لازم در سطح ملی. تنها در پرتو این تعامل است که می توان به استقرار نظامی منصفانه، شفاف و قابل پیش بینی در حوزه گمرک دست یافت.

۶. مراجع

۱. بهشتیان، محمود (۱۳۸۳). "آشنایی با سازمان گمرک جهانی و سیستم هماهنگ شده" تهران: نشر گمرک جمهوری اسلامی ایران، دفتر آموزش و تحقیقات.
۲. ولی زاده فلکدهی م.، حبیبی درگاه ب. &، پهلوان زاده ع. (۲۰۲۱). مبانی حاکم بر اختلافات گمرکی در پرتو اصول حقوقی، اخلاقی و اقتصادی. مجله اخلاق زیستی - علمی پژوهشی ۱۱(۳۶)، 1-17. <https://doi.org/10.22037/bioeth.v11i36.35330>
3. Tabatabaee, A., Sabeti, Abbas. (2011). The World Customs Organization with Implication of Obstacles of Iran Facing this Organization. International Relations Studies, 3(13), 125-166. <https://sanad.iau.ir/fa/Article/1066539>
۴. بیات، محمد، ۱۳۹۲، "قواعد حاکم بر ارزش گذاری گمرکی کالا در چارچوب مقررات سازمان جهانی تجارت"، کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران

5. Kumar Ratnesh/WTO Structure, Functions, Tasks and Challenges /2006 2-Akehurst Micheal/ Modern Introduction To International law/1993

۶. کوهستانی پزوه، رسول، ۱۳۸۶، "آشنایی با مقررات امور گمرکی: اهم قوانین و مقررات گمرکی ورود و ترخیص کالا به انضمام پیش نویس قانون جدید امور گمرکی"، تهران، نشر قانون.

۷. علی زاهد طلبان، سازمان جهانی جارت، ساختار قواعد و موافقت نامه ها (هران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۵، ص ۳۲۱.

۸. غیب غلامی، سعیده، "حقوق گمرکی، تهران"، مجد، ۱۳۹۴

۹. اسفندیار امیدخش و مسعود طارم سری، آشنایی با موافقت نامه عمومی تعرفه و جارت (گات) (هران: موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۷۲) ص ۲۲۰.

۱۰. «اهمیت طبقه بندی کالا در گمرک»، تارنمای گروه ترخیص بار بازرگان، [/https://www.tarkhisgomrok.com](https://www.tarkhisgomrok.com)

۱۱. مرکز تجارت بین المللی و دبیرخانه مشترک المنافع، راهنمای تجاری دور اروگوئه، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۷۵، صص ۱۱۹-۱۲۱

۱۲. انصاری معین، پرویز. ۱۳۸۷ حقوق تجارت بین المللی. تهران، نشر بنیاد حقوقی میزان

۱۳. ایرانی اصل، مهرداد، ۱۳۹۹، ارزش گذاری گمرکی کالا در مقررات سازمان تجارت جهانی، چهارمین کنفرانس بین المللی پژوهش های کاربردی در علوم انسانی و علوم اسلامی با موضوع تحول در علوم انسانی، قم

۱۴. بابایی، علی اکبر، هاشمی، سیما، جواهردشتی، فرانک، گمرک، ضرورت تحول در قوانین و مدیریت، تدبیر، ش ۶۵، ۱۳۷۵

۱۵. بررسی آثار عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت بر صنعت، ۱۳۷۵، سازمان مدیریت صنعتی.

16. Rosenow, S., & O'Shea, B. (2010). A Handbook on the WTO Customs Valuation Agreement, Cambridge University Press, Page 5

17. UNCTAD, Future Multilateral Trade Negotiations (Geneva :UNCTD, 2004), PP. 111- 1

۱۸. گزارش پشتیبان طرح تحول اقتصادی در نظام گمرک، گزارش شماره ۴، ویرایش اول، دبیرخانه کارگروه تحولات اقتصادی، ۱۳۸۷

۱۹. آقایی، محمد، تحول در روش های حقوقی حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۴، ص ۵۵